Original Article Open Access



Child Rights Journal

2021; 3(11): 53-63

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Investigating the Effects of Various Mass Media on Juvenile Delinquency

Esmaeil Kashkoulian[1*], Masoud Heidari[1]

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The phenomenon of juvenile delinquency is one of the most important challenges in societies that imposes destructive effects on the family and society. On the other hand, the media play a very effective role in reducing or increasing crime in society. The purpose of this study is to explain the impact of mass media on juvenile delinquent behaviors.

Method: This research was done using the descriptive-analytical method in the way of library study.

Results: The findings indicate that the mass media can not be considered as a direct cause of crime. But it can be said that these media outlets bring out the potential of children's criminal talents. Meanwhile, video and virtual media are effective in juvenile delinquency through the display of violence and unhealthy and perverted communication.

Conclusion: The results show that the impact of each mass media in reducing or increasing juvenile delinquency is variable. Before the creation and entry of satellites and cyberspace into the lives of citizens, television had a great impact on reducing and increasing juvenile delinquency. Of course, in Iran, due to the government's control and control over the content of television programs, this media has taken more steps to reduce juvenile delinquency. In contrast, media such as satellite and networks related to virtual space, due to the lack of a regular legislative framework and lack of adequate control and monitoring of their content has had a great impact on the growth of juvenile delinquency.

Keywords: Delinquency; Mass Media; Victimization; Children's Rights

Corresponding Author: Esmaeil Kashkoulian; **Email:** esmaeil.kashkoulian@gmail.com

Received: September 6, 2021; **Accepted:** November 11, 2021

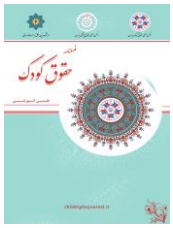
Please cite this article as:

Kashkoulian E, Heidari M. Investigating the Effects of Various Mass Media on Juvenile Delinquency. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 53-63.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد



فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۶۳-۵۳

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

بررسی تأثیرات انواع رسانه‌های جمعی بر بزه‌کاری کودکان

اسماعیل کشکولیان[1]*، مسعود حیدری[1]

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده بزه‌کاری کودکان از مهم‌ترین چالش‌های جوامع می‌باشد که تأثیرات مخربی را بر خانواده و جامعه تحمیل می‌کند. از طرفی رسانه‌ها نقش بسیار مؤثری را در کاهش یا افزایش بزه‌کاری در سطح جامعه ایفا می‌کنند. هدف از انجام این پژوهش، تبیین میزان اثرگذاری رسانه‌های جمعی بر رفتارهای بزه‌کارانه کودکان است.

روش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی از طریق مطالعه کتابخانه‌ای انجام پذیرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که نمی‌توان رسانه‌های جمعی را به عنوان عامل مستقیم بزه‌کاری دانست، اما می‌توان گفت که این رسانه‌ها موجبات بالفعل‌شدن استعدادهای بالقوه جنایی کودک می‌شود. در این میان رسانه‌های تصویری و مجازی از طریق نمایش خشونت و ارتباطات ناسالم و منحرفانه در بزه‌کاری کودکان مؤثر واقع می‌شوند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که تأثیر هر یک از رسانه‌های جمعی در کاهش یا افزایش بزه‌کاری کودکان متغیر می‌باشد، به طوری که تا پیش از ایجاد و ورود ماهواره و فضای مجازی به زندگی شهروندان، تلویزیون تأثیر زیادی در کاهش و افزایش بزه‌کاری کودکان داشته است، البته در ایران، با توجه به نظارت و کنترل حاکمیت بر محتوای برنامه‌های تلویزیون، این رسانه بیشتر در جهت کاهش بزه‌کاری اطفال گام برداشته است. در مقابل رسانه‌هایی نظیر ماهواره و شبکه‌های مربوط به فضای مجازی با توجه به عدم وجود چارچوب تقنینی منظم و عدم کنترل و نظارت کافی بر محتوای آن‌ها تأثیرگذاری فراوانی بر رشد بزه‌کاری کودک داشته است.

واژگان کلیدی: بزه‌کاری؛ رسانه جمعی؛ بزه‌دیدگی؛ حقوق کودک

نویسنده مسئول: اسماعیل کشکولیان؛ **پست الکترونیک:** Esmaeil.kashkoulian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kashkoulian E, Heidari M. Investigating the Effects of Various Mass Media on Juvenile Delinquency. Child Rights Journal. 2021; 3(11): 53-63.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

مقدمه

همان‌گونه که می‌دانیم در بین تمامی عوامل فردی و محیطی بزه‌کاری اطفال و نوجوانان می‌توان به نقش رسانه‌های جمعی به عنوان یک عامل محیطی اشاره نمود. این رسانه‌ها به همان اندازه که مفیدند می‌توانند مضر نیز باشند. جنبه‌های مثبت رسانه‌ها مثل رسانه‌های جمعی بر کسی پوشیده نیست، لیکن رویکرد منفی برخی از رسانه‌ها نظیر ارائه مطالب و مفاهیم خشونت‌آمیز می‌تواند در انحرافات رفتاری و اعتقادی کودکان و نوجوانان مؤثر واقع شوند (۱). علاوه بر این یکی از جنبه‌های مؤثر این رسانه‌ها بر افراد مذکور تحریک حس تقلید زودهنگام آنان است که آنان را به سوی بزه‌کاری سوق می‌دهد. تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که اکثر نوجوانان مجرم به موضوعاتی که دارای صحنه جرم یا تحریک‌کننده جهت ارتکاب جرم داشته باشند، تمایل دارند. اکثر آنان نقش رسانه‌های جمعی را در بزه‌کاری اطفال و نوجوانان تأیید می‌کنند، اما در مجموع بررسی رابطه بین بزه‌کاری و رسانه‌های جمعی بی‌نهایت پیچیده است (۲). کودکان و نوجوانان در تمامی کشورهای جهان به عنوان آینده‌سازان آن کشور محسوب می‌شوند و برای اینکه نسل جوان و بزرگسال در یک کشور نسلی عاری از هرگونه مشکلات رفتاری و بزه‌کاری باشد به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی مناسب برای کودکان و نوجوانان می‌تواند نسل آینده را از مشکلات رهایی بخشد. طفل و نوجوان به دلیل داشتن باطنی صاف تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد، اما در زمان حاضر کودکان و نوجوانان تحت تأثیر شدید رسانه‌های گروهی می‌باشند. کودکان و نوجوانان رفتارهای خود را از رسانه‌های گروهی الگو می‌گیرند. آن‌ها بیشتر اوقات خود را صرف تماشای رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون می‌کنند. بنابراین اگر رسانه‌های گروهی رفتارهای خشن و بزه آلوده را نمایش دهند، به طور قطع بر روی طفل تأثیرات منفی خواهد گذاشت (۳). اهمیت انجام این پژوهش از این جهت است که برای داشتن جامعه‌ای عاری از جرم باید از دوران طفولیت بر روی فرد سیاست‌های متعددی اعمال شود که ذهن او از بزه و بزه‌کاری دور بماند. در این میان وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها، از قدرتمندترین ابزار تأثیرگذار محسوب می‌شوند که سلطه خود را اثبات کرده و زمینه تعالی یا انحطاط را فراهم کنند. اینک پرسش اصلی این است که انواع رسانه‌ها در دنیای امروز هر یک چگونه در بزه‌کاری کودکان تأثیرگذار هستند؟

روش

نوع پژوهش حاضر، نظری است و روش به کار گرفته‌شده در آن، توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و با استناد به کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد و پایگاه‌های اینترنتی خواهد بود.

یافته‌ها

۱. تأثیرات تلویزیون بر بزه‌کاری کودکان: افزایش رسانه‌های ارتباط جمعی به شکل گسترش انفجاری تلویزیون در دهه ۱۹۵۰ در آمریکای شمالی، همانند دیگر قاره‌ها نبوده است، به طوری که ظرف مدت کوتاهی (۱۹۵۰-۱۹۴۵ م.) میزان آن به بیش از یک میلیون دستگاه رسید. سریع‌تر از هر جای دیگر تلویزیون در خانه‌هایی نفوذ کرد که کودکان کم سن و سال در آن‌ها سکونت داشتند. در آمریکا احتمال یافتن تلویزیون در خانوارهای دارای کودک زیر ۱۲ سال دو برابر خانوارهای بدون اولاد بود (۴). تلویزیون رسانه‌ای همه جا حاضر است که محتوای آن به دقت تهیه شده و غالباً واقع‌گرایی آن، کودکان را جذب استنباط مفهومی از محتوای

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

تلویزیون می‌کند در حالی که درباره زندگی واقعی جهانی که تلویزیون ظاهراً آن را ترسیم می‌کند، چیزی چندانی نمی‌دانند (۵). از تحقیقات متعددی که در آمریکا و انگلستان در مورد تأثیر تلویزیون بر روی بچه‌ها به عمل‌آمده است می‌توان این نتیجه را گرفت که تلویزیون مثل سایر وسایل ارتباط جمعی، چون بچه‌ها را با مسائل و ارزش‌های افراد بالغ در تماس قرار می‌دهد، اضطراب‌های آنان را در مورد آینده‌شان و به طور کل احساس عدم امنیتشان افزایش می‌دهد و خیلی زود پیچیدگی، شرایط خانوادگی و اجتماعی و انسانی را بر آن‌ها آشکار می‌سازد (۶).

امروزه، بسیاری از دارندگان دستگاه گیرنده تحت تأثیر برنامه‌های تلویزیونی «تلویزیون‌سالاری» قرار گرفته‌اند که البته با توجه به علاقه شدید خرد سالان و نوجوانان به برنامه‌های تلویزیونی، به زحمت می‌توان آن‌ها را قانع کرد که به موقع پیش از پایان برنامه‌های تلویزیونی به خواب روند یا به موقع تکلیف مدرسه خود را آماده کنند. در دهه اخیر با پیشرفت فرستنده‌های ویدیویی و تلویزیونی تهیه کنندگان، انواع فیلم‌ها و برنامه‌ها را برای مردم ساخته‌اند. اگر در گذشته تماشاگران فیلم‌های سینمایی با اختیار فیلم دلخواه خود را انتخاب می‌نمودند و بعد خانه را به سوی سینما ترک می‌کردند، ولی امروزه مسئولان و کارگزاران تلویزیون بدون اینکه به اثرات نیک و بد فیلم‌ها در گروه‌های سنی و جنسی مختلف توجه کنند، آن‌ها را به خانه‌هایی که دریچه تلویزیون به روی آن‌ها باز می‌شود، صادر می‌کنند و افراد خانواده، زن و مرد، خرد و کلان بدون اینکه انتخاب داشته باشند، چشم و گوش خود را به این فرستنده می‌سپارند (۷).

۱-۱. تأثیرات تلویزیون بر روابط اجتماعی کودکان: وقتی کودکی با خانواده یا همسالان خود روابط رضایت بخشی ندارد، تمایل پیدا می‌کند که به تلویزیون رو کند و آنجا می‌تواند برای مدتی عرصه مسائل زندگی و احتمالاً تنش خود را کاهش دهد، اما وقتی ما برخی دیگر از متغیرها را وارد قضیه کنیم، این رابطه دیگر یک رابطه ساده نیست. اگر به کودکان دارای هوش و پایگاه اجتماعی پایین توجه کنید، چنانچه روابط آنان با والدین یا همسالان خود رضایت بخش نباشد، چه اتفاقی روی می‌دهد؟ در این حالت برخورد بیشتر موجب تماشای بیشتر تلویزیون نمی‌شود، اگر امری هم روی دهد، کاهش در تماشاست (۸). کیفیت روابط کودک با خانواده و گروه همسالان خود بدین ترتیب به تعیین میزان تماشای تلویزیون کمک می‌کند، اما این تأثیر بسیار فراتر هم می‌رود، در حالی که به دلیل ناکامی در روابط خانوادگی یا روابط با دوستان که از حس پرخاشگری آکنده است، احتمالاً در جستجوی محتوای خشونت‌آمیز تلویزیون خواهد بود. اگر روابط اجتماعی وی رضایت‌بخش نباشد، احتمال دارد بر اساس خیال‌پردازی‌های حاصل از تلویزیون به خیال‌پردازی رو کند. اگر وی برای پاسخ به نیازهای اجتماعی خویش در جستجوی خشونت برآید، احتمالاً آن خشونت را که در قالب برنامه تلویزیون مشاهده کرده است هنگامی که در زندگی واقعی نیاز به پرخاشگربودن حس کند، به یاد می‌آورد و آن را زنده می‌کند (۹).

۱-۲. تأثیرات تلویزیون بر خلاقیت و اصلاح پذیری کودکان: تلویزیون نشان داده است که در برانگیختن سلیقه‌ها بهتر از برانگیختن فعالیت‌های فکری یا خلاق عمل می‌کند. علائم کمی در دست است که نشان دهد تلویزیون باعث تعالی ذوقی افراد می‌شود و نگرانی‌هایی ابراز شده است مبنی بر اینکه تلویزیون تجاری در حال منجمدکردن در یک سطح ذوقی مبتنی بر استانداردهای رایج خود است. برخی از پژوهشگران در زمینه تلویزیون نگرانی خود را از تأثیر این وسیله بر شکل‌گیری ذوق و

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

سلیقه افراد بیان داشته‌اند. یک نگرانی واقعی وجود دارد که مبادا این بزرگ‌شدن زودرس و این تصاویر از زندگی بزرگسالان که در دسترس کودکان قرار می‌گیرد قبل از آنکه وی واقعاً آمادگی تمیز بین آن‌ها را داشته باشد، ممکن است گمراه‌کننده باشد و شاید کودکان را حتی تا آن میزان که از فرایند رشد وحشت کنند، دلسرد کند (۱۰). سپس تأثیر رفتاری تلویزیون مطرح می‌شود. این تأثیرات از آن جمله تأثیراتی هستند که بیشترین نگرانی را ایجاد کرده است، ولی با این وجود، این تأثیرات تقریباً از همه موارد از طریق زندگی غیر تلویزیونی کودک قابل کنترل هستند. تقلید از بازیگران فیلم‌ها، همزیستی و هماهنگی نوجوانان و جوانان را با بزرگسالان دشوار کرده است. تحت تأثیر افکار تلقین شده به وسیله فیلم‌ها، ناسازگاری اجتماعی بروز می‌کند. کودکان و جوانان از لحاظ تصور و تجسم ذهنی به معیارهایی می‌گرایند که ساخته و پرداخته جامعه دیگر و هماهنگ با ویژگی آنان است (۱۱). اگر کودکان پس از تماشای فیلم‌های عشقی و شهوت‌انگیز و تحریک‌کننده در تالار تاریک سینما دستخوش هیجانات می‌شوند، چون به طور طبیعی ارضا نمی‌شوند، دچار حالت عصبی می‌شوند و دائماً با خود و زندگی در جنگ و ستیزند. فیلم‌ها برای کودکان و نوجوانان رویای شیرین می‌سازند و در نظر آنان مجسم‌تر و برتر از واقعیت جلوه می‌کند. هرگاه فیلم‌ها با توجه به عقاید و اعتقادات مذهبی، سنن و آداب و رسوم محلی، سطح فرهنگی، مبانی اخلاقی و به ویژه گروه‌های سنی به دقت هدایت نشوند در بروز حالت خطرناک جرائم تأثیر خواهد داشت (۱۲).

کین برگ (Kin Berg) جرم‌شناس سوئدی می‌گوید: «ارتباطات جمعی و رسانه‌های گروهی در تار و پود افراد تلقین پذیر برای ارتکاب جرائم نفوذ می‌کنند.» متأسفانه تهیه‌کنندگان تجاری فیلم‌های ویدیویی و تلویزیونی به جنبه آموزشی، تربیتی، مذهبی و اخلاقی آن‌ها چندان توجه ندارند و فقط برای حفظ منافع شخصی، فیلم‌هایی را که هدف تجاری دارند تهیه و به نحو اغراق‌آمیز در صحنه‌ها، پرخاشگری، عصیان، خشونت، قانون‌شکنی، عیاشی و شهوترانی را مجسم می‌سازند. بزرگسالان به غیر واقعی و تصنعی‌بودن موضوع فیلم‌ها واقف هستند، اما کودکان و نوجوانان و کسانی که آگاهی و تجربه کافی ندارند، آن‌ها را واقعیت می‌پندارند و مظهری از زندگی جدید تصور می‌کنند، در صورتی که در بیرون از صحنه‌های تلویزیون و سینما یعنی در جامعه، واقعیت‌ها به کل، متفاوت از موضوع فیلم‌هاست. امروزه تماشای تلویزیون، بخشی از کارهای روزمره انسان است و خواه ناخواه پیامدهایی را نیز دارد. تحقیقاتی که در کشورهای مختلف دنیا انجام شده است، نشان می‌دهد که تماشای تلویزیون فعالیتی عمده در زندگی انسان‌ها به شمار می‌رود و تأثیر اجتناب‌ناپذیری در تمامی گروه‌های سنی به ویژه کودکان و نوجوانان بر جای می‌گذارد. بنابراین رعایت تناسب محتوی برنامه‌های تلویزیونی با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های ادراکی و روانی مخاطبان و تلقی واقع‌بینانه از آن‌ها برای تأمین «بهداشت روانی» و «تعادل شخصیت» نونهالان ضروری به نظر می‌رسد (۱۳).

بدیهی است که بعضی از برنامه‌هایی که از شبکه تلویزیونی پخش می‌شوند، برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان مناسب نیستند و تماشای آن‌ها پیامدهای نامطلوبی دارد، چون تعدادی از برنامه‌ها فقط با هدف جذب مخاطب تهیه می‌شوند و در آن‌ها دیدگاه کارشناسانه لحاظ نمی‌شود که از آن جمله به صورت موردی می‌توان به انیمیشن‌های محبوب و مشهور «پاندای کنگفوکار» و «لاک‌پشت‌های نینجا» اشاره کرد که تا حدی نمایانگر و مروج خشونت می‌باشند. در اینجاست که نقش عوامل بازدارنده و نظارتی مطرح می‌شود. پدر و مادر از جمله

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

نیروهای بالقوه نظارتی هستند که می‌توانند نقش به سزایی داشته باشند. کودکان در خردسالی به طور کامل و واضح نمی‌توانند بین واقعیت و خیال مرزی قائل شوند، ممکن است هر آنچه را که در تلویزیون می‌بینند واقعی بپندارند، مثلاً پسر ۸ ساله‌ای در هند در تلویزیون یک آگهی مربوط به ماشین‌های لباسشویی را دیده بود که در این آگهی خرس‌های کوچک اسباب بازی را که کثیف و سیاه شده بودند، در ماشین می‌انداختند و می‌شستند تا سفید شوند. او نیز برادر یک سال و نیمه‌اش را که پوستی تیره داشت در ماشین لباسشویی گذاشت تا او را بشوید و سفید کند، اما بچه کوچک در زیر آب و فشار چرخش دستگاه خفه شد. بنابراین کودکان چنانچه شاهد برنامه‌ای با محتوای ناخوشایند باشند، به احتمال بسیار تأثیر زیانباری بر الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری آنان خواهند داشت. از این رو باید به پدر و مادر آموزش داد که از فرزندانشان، بخواهند آنچه را که در برنامه‌های تلویزیونی می‌بینند با اتفاقات واقعی مقایسه کنند. آنان باید به کودکان تفهیم کنند که تلویزیون در واقع مانند یک داستان‌گو است که داستان‌های آن ساختگی است. آنان می‌توانند به زبان‌های ساده به کودکان تفهیم کنند که چگونه از جنبه‌های فناورانه مانند موزیک و نورپردازی برای تحت تأثیر قراردادن هیجان‌ها و عواطف مخاطبان بهره‌برداری می‌شود و هر چقدر هم که واقعی به نظر برسد، باز برای آنکه مهیج تر شود تغییراتی در آن صورت گرفته است (۱۴).

به نظر فلاسفه، «پالایش درونی» یا «تخلیه هیجانی» عبارت از واکنشی است که انسان در رویارویی نابرابر با سرنوشت خود نشان می‌دهد. روانکاوان، پالایش درونی یا تخلیه هیجانی را چنین تعریف می‌کنند: «واکنش آزادسازی نیروی روانی با یادآوری هیجان‌های سرکوب‌شده یا تعارض‌های حل‌نشده و زیان‌آور برای بهداشت روانی.» نقش پالایش تلویزیون در فرایند تماشای فیلم‌های تخیلی و ماجراجویانه مهم است. این فیلم‌ها طوری ساخته شده‌اند که با زندگی معمولی و عادی مردم مناسبتی ندارند. روان‌شناسان در پاسخ به این سؤال که چرا این‌گونه فیلم‌ها با این همه استقبال رو به رو می‌شوند، می‌گویند: «فیلم‌های تخیلی، نقش پالایش روانی دارند، بدین صورت که اضطراب‌ها و تنش‌های زندگی تمام‌نشدنی است و انسان همیشه با ناکامی و اضطراب‌هایی رو در روست.» فیلم‌های تخیلی به انسان‌ها اجازه می‌دهند که به طور موقت بر اضطراب‌ها و ضعف‌های خود پیروز شوند و از طرف دیگر بینندگان این فیلم‌ها از اینکه این بلاها بر سر آن‌ها نیامده است، خوشحال می‌شوند. با قهرمانانی که با ناکامی‌ها، دشواری‌ها و ناملایمات رو به رو می‌شوند، همانندسازی کنند، خود را به جای آنان می‌گذارند و بر مشکلات پیروز می‌شوند (۱۵).

۱-۳. تأثیرات تلویزیون بر آموزش خشونت منتهی به بزه‌کاری کودکان: در ابتدا باید بیان داشت که مطالعات انجام‌شده در زمینه قرارداشتن در معرض خشونت رسانه‌ای نشان می‌دهد که در این زمینه مسائل دیگری نیز مثل رواج خشونت و وحشت در محتوای رسانه‌های مختلف، موقعیت اجتماعی ـ اقتصادی، جنسیت و برخی از الگوهای گزینشی مؤثر هستند (۱۶). پژوهش‌ها در زمینه تأثیر «خشونت تلویزیونی» بر رفتار کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد، این نوع مشاهدات به رفتار در خانواده، مدرسه و جامعه تعمیم می‌یابد. از جنبه کوتاه مدت این تأثیر، تحقیقات متعدد نشانگر این امر است که کودکان بلافاصله پس از دیدن برنامه‌ای خشونت‌بار به همسالان خود در خانواده یا مدرسه تعرض می‌کنند و رفتار خشن بروز می‌دهند. این‌گونه خشونت‌ها در رسانه‌های تصویری ـ به ویژه تلویزیون ـ فراوان دیده

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

می‌شود و انواع آن عبارتند از: خشونت در فیلم‌های تخیلی، خشونت در بازی، خشونت جسمی و غیر جسمی در تراژدی‌ها و کمدی‌ها، کارتون‌ها، داستان‌های خانوادگی، فیلم‌های ویدیویی، داستان‌های جنگی و پلیسی و امثال آن (۱۷).

به طور کلی کودکان و نوجوانان «خشونت تلویزیونی» را به چند شکل دریافت می‌کنند. خشونت جسمانی، خشونت جسمانی به شکل بازی، خشونت کلامی، خشونت رمزی و نمادین و خشونت جسمانی شامل ضربه‌زدن، چنگ‌زدن، لگدزدن، جنگ تن به تن، شلاق‌زدن و... . خشونت کلامی شامل تهدیدکردن، متلک‌گفتن، ناسزاگویی، تحقیر و... است. خشونت رمزی حرکات و اعمالی مانند دنبال‌کردن کودک به قصد زدن یا تهدید دیگران برای انجام اعمال خشونت‌بار توأم با فعالیت‌های غیر کلامی را شامل می‌شود. نکته جالب در خشونت‌های تلویزیونی این است که عواقب این خشونت‌ها و به ویژه درد و رنج مصائب و فاجعه‌ای که ممکن است از آن حاصل شود، به ندرت نشان داده می‌شود. نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌های مکرر کوتاه و درازمدت نشان‌دهنده این واقعیت است که خشونت در تلویزیون به کودکان، رفتار ضد اجتماعی می‌آموزد، از حساسیت آن‌ها نسبت به اعمال خشن می‌کاهد، آن‌ها را برای مضطرب‌شدن آماده می‌سازد، اختلال در خواب به وجود می‌آورد، علائم بعد از تنش ایجاد می‌کند، رفتار خشونت‌آمیز در آن‌ها به وجود می‌آورد، این باورها را در آنان تقویت می‌کند که مسائل را با خشونت می‌توان حل کرد، آنان را نگران و ترسو و مضطرب نسبت به دنیای اطراف خود بار می‌آورد، حساسیت نسبت به درد و رنج دیگران کمتر می‌شود، بیشتر دست به کارهای خطرناک می‌زنند، از قواعد و قوانین سرپیچی و بحث و جدل بیشتری می‌کنند و بالاخره رفتار معمولی آنان با دیگران معمولاً توأم با پرخاشگری و آزار و تحقیر دیگران می‌شود (۱۸). علاوه بر این در بسیاری از موارد، کودکان و نوجوانان رفتار خشونت‌بار را از بزرگسالان تقلید می‌کنند. برای مثال کودکان کودکستانی که انواع رفتارهای پرخاشگرانه یک فرد بزرگسال را در برابر یک عروسک بادی بزرگ در تلویزیون می‌بینند، بعداً بسیاری از اعمال از جمله الگوهای نا متداول رفتار پرخاشگرانه او را تقلید می‌کنند. تماشای خشونت در تلویزیون رفتار پرخاشگرانه را از طریق تعلیم و شیوه‌های پرخاشگرانه، افزایش برانگیختگی، کاهش حساسیت پرخاشگری و کاهش قید و بندهای رفتاری برمی‌انگیزد (۱۹). با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد که خشونت‌های تلویزیونی ارتباطی مستقیم با میزان بزه‌کاری اطفال و نوجوانان دارد، به طوری که با افزایش تماشای خشونت‌های تلویزیونی توسط اطفال و نوجوانان زمینه ارتکاب جرم در آنان بیش از پیش افزایش می‌یابد.

۲. تأثیر ماهواره بر بزه‌کاری کودکان: امروزه با توجه به تحولات روزافزون در رسانه‌های جمعی، دیگر شکی نیست که جامعه در حال ساماندهی و شکل‌گیری جدیدی است و ما هم عضوی از این جامعه بزرگ جهانی هستیم. بنابراین باید خود را با این پیشرفت هماهنگ نماییم و حتی خود را سهیم بدانیم و فعالانه عمل کنیم. عصر حاضر را «عصر ارتباطات» نام داده‌اند، یعنی در عصر حاضر به دلیل وجود و کاربرد وسایل ارتباط جمعی که وسعت و نفوذ و تأثیر آن بسیار زیاد است؛ ارتباط جمعی شکل نوینی یافته و تحولات جامعه بشری را تحت‌الشعاع قرار داده است. در میان این وسایل ارتباطی، ماهواره‌های مستقیم تلویزیونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این رسانه خصوصیت ویژه‌ای دارد که آن را از سایر وسایل ارتباط جمعی جدا می‌سازد و آن گسترش پوشش جغرافیایی است و چه بسا در سال‌های آینده شاهد

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی در خصوص این رسانه باشیم، به طوری که تمام مسائل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، تربیتی تحت تأثیر سیستم ماهواره قرار خواهد گرفت (۲۰). ماهواره‌ها با رویکردها و اهداف متعددی نسبت به ارائه و پخش برنامه‌های متنوع اقدام می‌نمایند. با توجه به اینکه برنامه‌های این رسانه در بسیاری از موارد برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان متناسب نیست می‌تواند آسیب‌های بسیاری را برای آن‌ها فراهم آورده و حتی زمینه ارتکاب جرائم را در آن‌ها به وجود آورد.

۲-۱. ترویج خشونت: یکی از مهم‌ترین و آشکارترین پیامدهای منفی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای ـ به ویژه فیلم‌ها و سریال‌ها ـ افزایش میزان خشونت و بروز رفتارهای خشن در کودکان و نوجوانان است. تحقیقات مختلف روان‌شناسی که بر مبنای نظریه یادگیری مشاهده‌ای آلبرت بندورا (Albert Bandura) در سال ۱۳۹۲ در کشور انجام شده است، نشان می‌دهد که مشاهده صحنه‌های خشونت‌آمیز، گرایش به پرخاشگری را در کودکان و نوجوانان بالا می‌برد و این در حالی است که حجم قابل مشاهده برنامه‌های ماهواره‌ای به فیلم‌های سینمایی و سریال‌هایی اختصاص دارد که در آن صحنه‌های خشونت‌آمیز به طور مکرر تکرار می‌شود. سهل و آسان نشان‌دادن کشتار و قتل و هرگونه جنایت با سلاح سرد و گرم، ترس آن‌ها را فرو می‌ریزد، در واقع هنگامی که کودکان و نوجوانان ساعت‌های متوالی، چنین برنامه‌هایی را می‌بینند، گویا در کلاس آموزشی ترویج خشونت قرار گرفته‌اند (۲۱)، به نظر می‌رسد، رشد و توسعه خشونت از این طریق می‌تواند زمینه ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمی افراد را توسط اطفال و نوجوانان افزایش دهد.

۲-۲. بلوغ زودرس و دسترسی سریع و آسان به مسائل جنسی: برنامه‌های ماهواره‌ای اکثراً به راحتی و بدون هیچ سانسوری، مسائل جنسی را مطرح و نمایش می‌دهند. این شیوه ارائه اطلاعات حتی در آگهی‌های بازرگانی ماهواره‌ای نیز دیده می‌شود. متأسفانه بارها مشاهده‌شده اطفال و نوجوانان در خانواده نیز بدون هیچ محدودیتی و در کنار والدین خود به تماشای این صحنه‌ها می‌پردازند. این در حالی است که آن‌ها هیچ‌گونه آمادگی ذهنی و جسمی لازم را برای پذیرش این‌گونه اطلاعات ندارند، لذا به شدت تحت تأثیر این برنامه‌ها قرار می‌گیرند که بلوغ زودرس یکی از نتایج منفی این مسئله می‌باشد (۲۲). به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه بسیاری از برنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای ـ به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان نظیر شبکه‌های جم، من و تو، و... که در کشور ما مخاطبانی دارند- زمان مشخصی را برای پخش برنامه‌ها یا آگهی‌های مخصوص بزرگسالان تعیین نکرده‌اند و بسیاری از آن‌ها در زمان‌های نامناسبی پخش می‌شود، لذا اطفال و نوجوانان در سراسر کشور به مسائلی که هنوز زمینه آن را ندارند، واقف شده و زمینه انحراف در آن‌ها ایجاد می‌شود.

۲-۳. الگوبرداری و یادگیری شیوه‌های ارتکاب جرم: یکی از مهم‌ترین و مخرب‌ترین تأثیرات برنامه‌های ماهواره‌ای آن است که به شیوه‌ای هدفمند، راهکارهای ارتکاب جرم را از طریق الگوسازی شخصیت‌های آن برنامه به مخاطب طفل یا نوجوان الغا می‌کند. برای مثال زمانی که یک طفل یا نوجوان در یک فیلم یا سریال مشاهده می‌کند که نقش اصلی فیلم یا سایر شخصیت‌ها به راحتی دست به اسلحه برده و افرادی را به قتل می‌رساند یا سرقتی را انجام می‌دهد و یا با تشکیل باندهای تبهکاری و با استفاده از شگردهای خاص اقدام به هک‌کردن سیستم بانکی و ارتکاب جرائم رایانه‌ای می‌کند، با الگوبرداری از آن رفتار سعی می‌کند تا در جامعه خود نیز این رفتارها را اجرا کرده و به آن عینیت بخشد. در این زمینه از جمله

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

می‌توان به فیلم‌ها و سریال‌های ترکی بدون سانسور شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای اشاره نمود (۲۳)، لذا به نظر می‌رسد، برنامه‌های ماهواره نقش بسیار مهمی را در شناساندن و آموزش شیوه‌های ارتکاب جرائم به اطفال و نوجوانان ایفا می‌کند.

۳. تأثیر فضای مجازی بر بزه‌کاری کودکان: یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که امروزه جوانان ونوجوانان ما با آن درگیر هستند، استفاده از فضای مجازی و مواجه‌شدن با مخاطرات فردی و اجتماعی ناشی از آن است، چراکه آنان با وابستگی شدید به فضای مجازی چه بسا از خانواده فاصله می‌گیرند و آشنایی با زمینه و شیوه‌های ارتکاب جرائم را در این فضا ـ که معمولاً کنترل و نظارت چندانی بر آن وجود ندارد ـ پذیرا می‌شوند. در ادامه به بیان مهم‌ترین اثرات فضای مجازی و شبکه‌های ایجاد شده در بستر این فضا، بر بزه‌کاری کودکان می‌پردازیم.

۳-۱. ارتباطات ناسالم به واسطه عدم مدیریت و کنترل والدین: تا پیش از ورود تکنولوژی به زندگی ما، امکان نظارت و کنترل دوستی‌ها و ارتباطات فرزندان توسط والدین، بیشتر بود، اما با امکاناتی نظیر اپلیکیشن‌های ارتباطی واتساپ، وایبر، لاین، تلگرام و... که فضای مجازی در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند و مختصاتی که این تکنولوژی‌ها با خود دارند، امکان کنترل ارتباطات بسیار کاهش یافته است. امروزه طفل و نوجوان یک فناوری را با خود به همراه دارند که در هر زمان و مکان می‌تواند با هر کسی در هر موردی به گفتگو بنشیند. این روابط، می‌تواند روابط با جنس مخالف باشد که کودک و نوجوان در آن بسیار نابلد است و خیلی زود به دام مسائل و مشکلات جدی می‌افتد. ارتباط با افرادی که هویت نامعلومی دارند و نوجوان هیچ شناختی از آن‌ها ندارد، گاه سبب بروز فجایع گسترده و جبران‌ناپذیری می‌شود (۲۴).

۳-۲. خطر سوءاستفاده و تعرضات جنسی: بسیاری از کارشناسان، استفاده از تکنولوژی ـ به ویژه شبکه اجتماعی ـ را برای افراد زیر ۱۸ سال مضر می‌دانند، آن‌ها معتقدند که چون کودکان و نوجوانان به مهارت‌های عاطفی و ارتباطی آشنا نیستند و معیارهای اخلاقی و شخصیتی هنوز به خوبی در آن‌ها شکل نگرفته، ممکن است که آن‌ها را در معرض سوءاستفاده‌های مجرمان خطرناک قرار دهد. کودک‌ربایی یکی از اتفاقاتی است که به دلیل در اختیار قراردادن اطلاعات شخصی و در نظرنگرفتن حریم خصوصی توسط کودک و نوجوان در فضای مجازی، ممکن است به راحتی اتفاق بیافتد. مجرمان می‌توانند به سادگی به اطلاعات شخصی این افراد به واسطه عدم رعایت نکات امنیتی، دسترسی پیدا کنند و اقدامات مجرمانه خود را نسبت به آن‌ها عملی سازند (۲۵)، لذا با توجه به آنچه بیان شد به نظر می‌رسد، سوءاستفاده سایبری و تعرضات جنسی (به صورت کلام یا تصویر) از جمله آسیب‌های فضای مجازی برای کودک و نوجوان است.

۳-۳. بروز تشویش و اضطراب: تشویش و اضطراب نیز از پیامدهای مخرب فضای مجازی و نشأت گرفته از محتوا و مضامین و هیجانات کاذبی است، که در این فضا دیده می‌شود. صرف زمان بیش از حد در فضای مجازی در تزریق این اضطراب در فکر و روح کودک مؤثر است. هیجان منفی و اضطراب سبب بروز مشکلات روحی و رفتاری در طفل و نوجوان می‌شود (۲۶)، البته به نظر می‌رسد، مواردی نظیر محتوای خشونت‌آمیز در این فضا، ارتباط با جنس مخالف، بازی‌های آنلاین و تلاش برای دیده‌شدن نیز از جمله عوامل تشدید اضطراب است که فضای مجازی پدیدآورنده آن محسوب می‌شود.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه از انجام این پژوهش به خوبی می‌توان دریافت، این است که اولاً میان میزان استفاده نادرست و بدون کنترل و نظارت اطفال و نوجوانان از هر یک از رسانه‌های گروهی و گرایش آن‌ها به بزه‌کاری و ارتکاب جرم ارتباط مستقیم وجود دارد، به طوری که با افزایش استفاده نادرست اطفال و نوجوانان از رسانه‌های گروهی، میزان بزه‌کاری آن‌ها نیز به مراتب افزایش می‌یابد، البته ذکر این نکته نیز لازم است که محتوای هر یک از رسانه‌ها در افزایش یا کاهش بزه‌کاری در اطفال و نوجوانان بسیار مؤثر است؛ ثانیاً در خصوص مؤلفه‌های تأثیرگذار رسانه‌ای بر بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، باید بیان داشت که مطابق آنچه بیان گردید خشونت، تحریک جنسی و هیجان مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذاری بر بزه‌کاری اطفال و نوجوانان هستند. به عبارت دیگر، محتوای بدون کنترل رسانه‌هایی نظیر ماهواره و فضای مجازی که از طرق مختلف، میزان هیجان، خشونت و تحریک جنسی طفل یا نوجوان را افزایش می‌دهند، می‌توانند آن‌ها را به ارتکاب جرائم متعدد ترغیب یا تشویق کنند. علاوه بر این باید بیان داشت که تا پیش از ایجاد و ورود ماهواره‌ها و فضای مجازی به زندگی مردم، تلویزیون تأثیر و نقش بسیار مهمی در کاهش و افزایش بزه‌کاری کودکان داشتند. نکته مهم اینکه با توجه به نظارت و کنترل حاکمیت بر محتوای برنامه‌های تلویزیون، این رسانه بیشتر در جهت کاهش بزه‌کاری کودکان گام برداشته است. در مقابل رسانه‌هایی نظیر ماهواره و فضای مجازی با توجه به عدم وجود چارچوب تقنینی منظم و همچنین عدم کنترل و نظارت کافی بر محتوای آن‌ها تأثیرگذاری قابل ملاحظه‌ای را در جهت افزایش زمینه بزه‌کاری اطفال و نوجوانان داشته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی، شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Ameli S, Hasani H. Dual-space Virtualization Damages and Anomalies: A Comparative Study of International Policies. Journal of Cultural Research. 2015; 4(1): 1-30. [Persian]

2. Abidin C. Internet celebrities. Translated by Shah ghasemi E. Tehran: Soore Mehr; 2018. [Persian]

3. Leslie L. Celebrity in the 21st century: A reference handbook. Santa Barbara: ABC-CLIO; 2013.

4. Flick O. An Introduction to Qualitative Research. Translated by Jalili H. Tehran: Ney Publishing; 2016. [Persian]

5. Rose G. Image Analysis Methodology. Translated by Seyyed Jamal al-Din Akbarzadeh Jahromi. Tehran: Culture, Art and Communication and Center for Research and Evaluation of Irib; 2017. [Persian]

6. Dick B, Ferguson J, Ross DA. Preventing HIV/AIDS in young people. A systematic review of the evidence from developing countries. Introduction and rationale. World Health Organization technical report series. 2006; 938: 1-3.

7. Ghannad F, Akbari M. Iran's criminal policy towards victimized children and adolescents trafficked by sex tourism. Criminal Law Research. 2013; 2(5): 121-146. [Persian]

8. Firahi D. Globalization and Education problem. Essays on Globalization, Institute for Strategic Studies. Tehran: Education Organization; 2013. [Persian]

9. Saif AA. Educational Psychology. 12th ed. Tehran: Agah; 2018. [Persian]

10. Asadi LS. Child's Privacy and Parental Right to Education. Tehran: Family law and jurisprudence, University of Imam Sadegh; 2016. [Persian]

11. Laser M. Internet pornography. Western Policy Monthly; 2020.

12. Khorasani A. International Instrument for Crime. Jam-e Jam Newspaper (Special Issue of the Tapesh). 2015. [Persian]

13. Ginadi N. Cyber Crime. Translated by Hafezi S, Khorramabadi A. Tehran: Supreme Judicial Development Council; 2017. [Persian]

14. Taghipour A. Criminal Response to Cyber Spyware in International Documents and Computer Crime Law. The Judiciary Law Journal. 2012; 81(99): 89-83. [Persian]

15. Habibzadeh M, Rahmanian H. Pornography Iranian Criminal Law. The Judiciary Law Journal. 2014; 75(76): 89-121. [Persian]

16. Negahi M. Confronting child pornography, Comparative Study of International Documents and Criminal Laws of Iran. Criminal Law Research. 2012; 2(2): 135-159. [Persian]

17. Beigi J. Victimization of Children in Iran's Law. Tehran: Mizan; 2019. [Persian]

18. Islami R, Miriyan SS. Child sexual slavery and mechanisms to deal with it in the international human rights and law system of Iran. Criminal Law Research Journal. 2016; 3(1): 7-36. [Persian]

19. Hosseini B. Internet crimes on Children and its Criminology contexts. Tehran: Afraz; 2018. [Persian]

20. Malekahmadi H, Jafarian A. Pathology of Internet Addiction (Case Study: Shahin Shahr Esfahan). Encyclopedia of Social Sciences Tarbiat Modarres. 2019: 93-116. [Persian]

21. Saei M. Media and Values. Radio Specialized Monthly. 2015; 8(50): 24-30. [Persian]

22. Zanjanizadeh H, Mohammad Javadi A. The effect of the Internet on family values among high school students in District 3 of Mashhad. Iranian Journal of Sociology. 2014; 6(2): 121-146. [Persian]

23. Bahramian O. The study of children's social distance from parents and the factors affecting it. M.A. Thesis. Tehran: Faculty of Literature, Shahid Beheshti University; 2012. [Persian]

24. Young KS. Internet addiction: The emergence of a new clinical disorder. Cyber Psychology & Behavior. 2013; 1(3): 237-244.

25. Young KS. Caught in the net: How to recognize the signs of internet addiction and a winning strategy for recovery. John Wiley & Sons; 1998. p.181-231.

26. Fine MA, Moreland JR, Schwebel AI. Long-term effects of divorce on parent-child relationships. Developmental Psychology. 1983; 19(5): 703.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-18]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.